



طبقه‌بندی تکواژهای تصریفی زبان فارسی بر اساس مدل چهار تکواژ

عبدالحسین حیدری^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۸)

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر، ارائه طبقه‌بندی نوینی از تکواژهای تصریفی زبان فارسی در چارچوب مدل «چهار تکواژ» می‌باشد. مدل چهار تکواژ یک مدل تولید بنیان است. تکواژها در این مدل با توجه به انتخاب‌شان در سطوح مختلف تولید انتزاعی گفتار، به یک نوع تکواژ محتوایی و سه نوع تکواژ نظام‌مند تقسیم می‌شوند. با استناد به شواهد و ملاک‌هایی از زبان فارسی و طبق معیارهای مدل چهار تکواژ، «تکواژهای نفی و سببی ساز فعل فارسی»، همچنین «مشخصه‌های تصریفی جهت و وجه امری آن سازه»، به علاوه «تکواژ جمع اسم»، «وندهای تفضیلی و عالی صفت» و «تکواژ تفضیلی قید»، به گروه تکواژهای نظام‌مند متقدم تعلق دارند؛ زیرا این سازه‌ها اطلاعات مفهومی را به هسته خود (فعل، اسم، صفت و قید) می‌افزایند و به صورت غیرمستقیم توسط هسته انتخاب می‌گردند. اما سازه‌هایی که ویژگی‌های شخص و شمار، زمان، نمود و وجه التزامی فعل فارسی را به نمایش می‌گذارند، در گروه تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر جای می‌گیرند؛ چرا که این سازه‌ها برای تجلی در ساخت به اطلاعات خارج از فرافکنی بیشینه خود وابسته هستند و یا با سازه‌های دیگر در جمله هم‌نمایه‌اند. طبقه‌بندی تکواژها در چارچوب مدل چهار تکواژ، طبق فعال شدن و انتخاب تکواژها در سطوح و لایه‌های انتزاعی تولید گفتار انجام شده است و می‌تواند در تبیین ابعاد گوناگون مسائل زبانی (مانند ترتیب فراگیری تکواژها) کارآیی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: تکواژهای تصریفی، زبان فارسی، مدل چهار تکواژ.

^۱ Email: a_heidari53@yahoo.com



Classification of Persian inflectional morphemes using 4-M model

Abdulhossein Heydari¹

Professor assistant of Persian language and literature, Farhangian University

(Received: 2018/9/1; Accepted: 2019/5/29)

Abstract

This paper attempted to classify Persian inflectional morphemes, using 4-M (4-morpheme) model. It is a base production model. In this model According to their access in speech production morphemes divided into one content morpheme and three systematic morphemes. Considering Persian language behavior and evidences and according to the 4-m model, negative, causative, imperative and passive morphemes of verb plus plural forms of noun, comparative and superlative suffixes of adjective and adverb 's comparative morpheme belongs to systematic morphemes because these structures add conceptual information to their core (verb, noun, adjective and adverb) and indirectly selected by the core. But structures which show properties like person/number, tense, aspect, subjunctive mood of verb get into outer, late, systematic morphemes required by the grammatical frame of the language and they are co-indexed with other constituents in the sentence. Morpheme classification in 4-M has been done according to their being activated in different speech production levels. This classification can be used in explaining different linguistic area (such as the order of morphemes in language acquiring or learning).

Keywords: inflectional morphemes, Persian language, 4-M model.

¹. Email: a_heidari53@yahoo.com

۱- مقدمه

پدیده‌هایی نظیر تداخل زبانی، قرض‌گیری، همگرایی، رمزگردانی زبانی از پیامدهای برخورد زبان‌هاست. رمزگردانی زبانی به استفاده متناوب دو یا چند زبانه‌ها از دو یا چند زبان در یک محاوره زبانی یا درون یک پاره‌گفتار دلالت دارد. ترفردالر^۱ (1994) و چان^۲ (2004) رمزگردانی را به دو نوع «بین‌جمله‌ای» و «درون‌جمله‌ای» تقسیم کرده‌اند. رمزگردانی بین‌جمله‌ای به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در سطح بالاتر از جمله دلالت دارد. در این نوع رمزگردانی فرد صحبت کردن به زبان الف را متوقف کرده و به زبان ب حرف می‌زند. رمزگردانی درون‌جمله‌ای به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در سطح پایین‌تر از جمله دلالت دارد. برای مثال در جمله "آن part را برای من highlight کن" واژه‌های انگلیسی بصورت عناصر رمزگردانی شده در درون جمله فارسی به کار برده شده‌اند.

میرزاسکاتن^۳ ([1997] 1993) بر این باور است که رمزگردانی درون‌جمله‌ای انعکاس‌دهنده نحوه عملکرد نحوی لایه‌های زیرین ذهنی است. او با توجه به این پدیده زبانی در گفتار دوزبانه‌ها، مدل زبان ماتریس^۴ را تدوین نمود. طبق مدل زبان ماتریس در یک جمله‌ای که متشکل از سازه‌های دو زبان است، یکی از زبان‌ها به‌عنوان زبان ماتریس، چارچوب نحوی - ساختواری جمله را تعیین می‌کند و به زبان دیگری که نقش کم‌رنگی در شکل‌گیری همان جمله ایفا می‌نماید، زبان درونه^۵ گفته می‌شود. تکواژها در یک جمله رمزگردانی شده، به دو نوع تکواژ محتوایی^۶ و تکواژ نظام‌مند^۷ تقسیم می‌گردد. میرزاسکاتن (1993)، از معیارهای کاربردی و جهانشمول [± اعطاکننده نقش تتا] و [± دریافت‌کننده نقش تتا] برای تمایز بین

¹. Chan

². Myers-scotton

³. Matrix language frame model

⁴. embedded language

⁵. content morpheme

⁶. system morpheme

⁷. 4 morphemes

تکواژهای نظام‌مند و تکواژهای محتوایی استفاده نموده‌است. تکواژهای محتوایی که بر جنبه‌های معنایی و کاربردی دلالت دارند اعطاکننده نقش‌های تتا (مانند فعل و حروف اضافه) یا دریافت‌کننده نقش‌های تتا (مانند اسم و صفت) هستند اما تکواژهای نظام‌مند (مانند تکواژهای تصریفی و تکواژهای نقشی) برای ارتباط تکواژهای محتوایی در پاره‌گفتار به کار برده می‌شوند و حاوی ویژگی دریافت‌کنندگی یا اعطاکنندگی نقش‌های تتا نیستند. میرزاسکاتن (2002 و 2006) مدل زبان ماتریس را بسط داد و با استناد به فعال شدن و انتخاب متفاوت انواع مختلف تکواژها در واژگان ذهنی افراد، طبقه‌بندی جدیدی از تکواژها را تحت عنوان مدل چهارتکواژ^۱، پیشنهاد داد. تکواژها در مدل چهارتکواژ، به چهار نوع - یک نوع تکواژ محتوایی و سه نوع تکواژ نظام‌مند (تکواژ نظام‌مند متقدم^۲، تکواژ نظام‌مند پیونددهنده متأخر^۳ و تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر^۴) - تقسیم می‌شوند. میرزاسکاتن (2002)، مدعی است که مدل چهارتکواژ مدارک غیرمستقیم قابل توجهی درباره سازوکار تولید و پردازش تکواژها عرضه می‌کند که می‌تواند در ابعاد گوناگون مطالعات زبان‌شناسی از جمله آموزش زبان دوم و پدیده برخورد زبانی کارآیی لازم را داشته‌باشد. مطالعات متعددی نظیر میرزاسکاتن (2002)، تاکاگی^۵ (2008) و... تکواژهای زبان‌های مختلف (انگلیسی، ژاپنی و...) را براساس مدل زبان ماتریس و چهارتکواژ بررسی و تحلیل کرده‌اند. همچنین از مدل چهارتکواژ برای مطالعه جنبه‌های مختلف پدیده برخورد زبانی (Fuller، 2000؛ Turker، 2005) استفاده شده است. تحقیق حاضر نیز بر آن است تا تکواژهای تصریفی زبان فارسی را از منظر مدل چهارتکواژ مطالعه نموده و طبقه‌بندی نوینی از این تکواژها را بر اساس اصول مدل مذکور ارائه نماید لذا از یافته‌های آن در تبیین ترتیب فراگیری تکواژها و توضیح راه‌یابی تکواژها به زبان دیگر (نحوه قرض‌گیری تکواژها) استفاده گردد. تکواژهای تصریفی گوناگونی به فعل، اسم، صفت و قید فارسی

¹. early system morpheme

². late bridge system morpheme

³. late outside system morpheme

⁴. Takagi

⁵. government

افزوده می‌شوند تا آنها را برای حضور در ساخت‌های نحوی (مانند گروه و جمله) آماده کند. تنوع و ویژگی‌های خاص زبانی مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی باعث شده‌است که دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با طبقه‌بندی این نوع تکواژها به وجود آید که در ادامه تحقیق حاضر، به همین مبحث پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق و چارچوب نظری

تصریف عبارت است از تغییر در صورت دستوری یا واژ- نحوی واژه یا تکواژ، به طوری که صورت‌های حاصل بتوانند در مطابقت یا حاکمیت^۱ نقش نحوی ایفا کنند (Spencer, 1991: 193). متداول‌ترین روش برای تجلی مشخصه‌های تصریفی، افزودن وندهای تصریفی به ستاک^۲ است.

استامپ^۳ (2001) معتقد است که وجه، نمود، زمان، شخص، شمار، جهت دستوری، حالت، جنس، معرفگی و درجه مقوله‌های تصریفی هستند که در زبان‌های دارای تصریف یافت می‌شود.

بویج^۴ (2005)، نیز تصریف در زبان‌های مختلف دنیا را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌نماید:

- شمار، حالت، معرفگی و جنس برای اسم.

- زمان، نمود، وجه، جهت دستوری^۵، شمار، شخص و جنس برای فعل.

- درجه، شمار، جنس، حالت و معرفگی برای صفت.

بررسی آثار مرتبط با دستور زبان فارسی نشان می‌دهد که در دستور سنتی مستقیماً واژه تصریف آورده نشده‌است با این وجود تمامی وندهایی که بیانگر مشخصه‌های تصریفی هستند تحت عناوینی همچون نشانه جمع اسم، زمان فعل، علامت صفت تفضیلی

¹. stem

². Stump

³. Booij

⁴. voice

⁵. Zwicky & Pullum

و... مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مشکوه‌الدینی (۱۳۶۶)، به بررسی نشانه‌های تصریفی در فعل، اسم و صفت زبان فارسی می‌پردازد. او نشانه‌های صرفی اسم را به دو گروه «نشانه عام» و «نشانه خاص» طبقه‌بندی می‌نماید که نشانه عام دو دسته الف: جنس و نوع ب: نکره را شامل می‌شود و نشانه‌های غیر عام نیز دو دسته معرفه و خاص را در بر می‌گیرد. ماهوتیان (۱۹۹۷)، تصریف در اسامی را شامل شمار (مفرد/جمع) و معرفگی (معرفه/نکره) می‌داند و تصریف فعل را نیز زمان، نمود، وجه، مطابقه و جهت دستوری فرض می‌کند و هریک را جداگانه بررسی می‌کند. از نظر او، تصریف در صفات نیز به هنگام ساختن صفت‌های تفضیلی و عالی دیده می‌شود که با استفاده از پسوندهای «تر و ترین» صورت می‌پذیرد.

شقایقی (۱۳۷۴)، با استناد به زوئیکی و پولوم^۱ (۱۹۸۳)، معیارهای آوایی، صرفی و نحوی را برای تمیز واژه‌بست^۲ از وند تصریفی در زبان فارسی ارائه می‌کند؛ برای مثال سی نکره و کسره اضافه که در انطباق با انگاره‌های زبان‌شناسان غربی، تکواژ تصریفی شمرده می‌شد، اکنون در گروه واژه‌بست‌های فارسی قرار دارد. از نظر او به دسته خاصی از تکواژهای دستوری که ویژگی‌های زیر را داشته باشند، «واژه‌بست» گفته می‌شود:

الف. به واژه می‌چسبند اما بخشی از ساخت واژه اشتقاقی و یا صرفی محسوب نمی‌شوند.

ب. از لحاظ معنی، به رابطه ساختی یا دستوری خاص از جمله، اضافه اسمی، اضافه صفتی، رابط، ضمیر متصل با رابطه دستوری اضافه اسمی، متمم حرف اضافه یا مفعول صریح، عطف و رابطه دستوری ندا اشاره می‌کنند.

ج. از لحاظ آوایی، تکیه اصلی واژه بر آنها ظاهر نمی‌شود.

قطره (۱۳۸۶)، معتقد است که مشخصه‌های تصریفی زبان فارسی را نه با استناد به نظریات و طبقه‌بندی‌های زبان‌شناسان غربی، بلکه آنها را باید با توجه به ویژگی‌های منحصر به خود زبان فارسی تعیین نمود. این مشخصه‌ها یا تبلور صوری و صرفی دارند، مانند:

^۱ در زبان فارسی واژه‌بست‌ها از نوع پی‌بست می‌باشند. Clitic

^۲ speech abstract production model

مشخصه زمان در افعال، و یا فاقد تبلور صوری هستند، مانند: مشخصه جاننداری در اسامی.

تبلور صوری مشخصه‌های تصریفی به دو صورت ممکن است:

الف. استفاده از تکواژهای وابسته تصریفی، مانند: تبلور مشخصه شمار در اسامی با

استفاده از پسوندهای جمع -ها و -ان.

ب. استفاده همزمان از وند تصریفی و تکواژهای آزاد (شیوه ترکیبی)، مانند: تبلور

مجهول در افعال: ماشین دزدیده شد.

مباحث گوناگون و طبقه‌بندی‌های مختلف از مشخصه‌های تصریفی زبان فارسی، تحقیق حاضر را بر آن داشت تا از منظر شناختی و با توجه به فرایند انتخاب و فعال شدن تکواژها در سطوح مختلف انتزاعی تولید گفتار، تکواژهای تصریفی فارسی را در چارچوب مدل چهارتکواژ، مطالعه نماید. مدل تولید انتزاعی گفتار^۱ لولت^۲ (1989)، شالوده مدل چهارتکواژ را تشکیل می‌دهد. تولیدات زبانی با انتخاب پیام مفهومی که فرد (سخنگو) می‌خواهد به مخاطب یا مخاطبان خود انتقال دهد، شروع می‌شود. سطح مفهومی، اولین سطح در مدل تولید انتزاعی گفتار است. ساختار نظام مفهومی، همچنین سایر اطلاعات این نظام (مانند اطلاعات درباره شرایط یا موقعیت گفتمان) بر شکل به‌اصطلاح پیام پیش کلامی تأثیر دارد (Levelt, 1989). به‌هر حال لازم است که فرد بازنمایی مفهومی را به واژگانی تبدیل نماید که با منظور یا نیت اصلی وی مطابقت دارند (انتخاب واژگانی). منظور یا نیت فرد یک رشته ویژگی‌های معنایی - کاربردی^۳ را فعال می‌سازد که این مجموعه ویژگی‌های معنایی - کاربردی، جهت‌شان به سوی لما واژگانی^۴ است. لما بخش غیرواجبی اطلاعات واژگانی یک مدخل انتزاعی^۵ در واژگان ذهنی است که همان اطلاعات معنایی، نحوی و ساخت‌واژی واژگان را شامل می‌شود (Levelt, 1989). لما، دوّمین سطح در تولید انتزاعی گفتار است. لمای فعال‌شده، سطح سوّم را به فعالیت وا می‌دارد که در آنجا، چارچوب نحوی - ساخت‌واژی تولیدات زبانی تعیین می‌شود و

^۱. Levelt

^۲. Semantic/pragmatic feature bundles

^۳. lemma

^۴. abstract lexeme

^۵. formulation

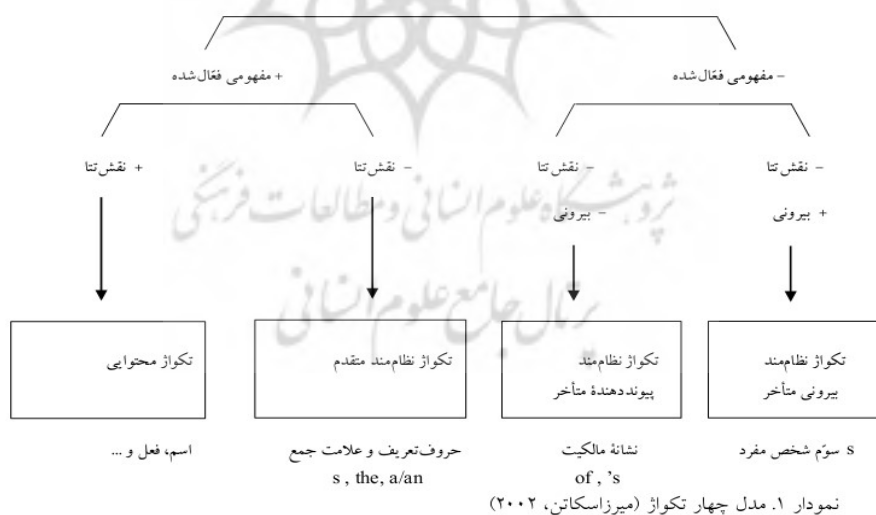
بالاخره در سطح آخر، بازنمایی واحدهای واجی فعال می‌شوند و روساخت پاره‌گفتار شکل می‌گیرد. دو سطح سوم و چهارم را سطح تدوین‌کننده^۱ زبانی می‌گویند. بعد از این چهار سطح، نوبت به تولید فیزیکی گفتار می‌رسد که از طریق اندام‌های گفتاری تحقق می‌یابد. تمایز تکواژهای محتوایی از انواع مختلف تکواژهای نظام‌مند، با بهره‌گیری از همین مدل سطوح انتزاعی تولید گفتار صورت پذیرفته است:

۱. تکواژهایی که در سطح مفهومی فعال می‌شوند: تکواژهای محتوایی و تکواژهای نظام‌مند متقدم هر دو در سطح لما فعال می‌شوند. اما همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، تکواژهای محتوایی، اعطاکننده و یا دریافت‌کننده نقش‌های تتا هستند؛ درحالی‌که تکواژهای نظام‌مند دارای چنین ویژگی نیستند. همچنین تکواژهای محتوایی مستقیماً به وسیله رشته و ویژگی‌های معنایی - کاربردی انتخاب می‌شوند اما انتخاب تکواژهای نظام‌مند متقدم به صورت غیرمستقیم انجام می‌پذیرد؛ زیرا انتخاب آنها به تکواژهای محتوایی وابسته است. انتخاب تکواژهای نظام‌مند متقدم با فراخوان تکواژهای محتوایی در سطح لما، انجام می‌شود تا منظور یا نیت فرد به طور کامل به مخاطب یا مخاطبان انتقال یابد. تکواژهای نظام‌مند متقدم، داخل فرافکنی بیشینه تکواژهای محتوایی قرار دارند و نقش آنها، بسط معنای لماهای تکواژهای محتوایی است. نشانه جمع و حروف تعریف نمونه‌های بارزی از تکواژهای نظام‌مند متقدم هستند.

۲. تکواژهایی که نقش ساختاری ایفا می‌کنند: علیرغم تکواژهای محتوایی و نظام‌مند متقدم، تکواژهای نظام‌مند متأخر، به لحاظ مفهومی فعال نمی‌شوند بلکه آنها فقط نقش ساختاری دارند و بازیابی آنها در واژگان ذهنی به بعد از شکل‌گیری سازه‌های بزرگتر موکول می‌شود. تکواژهای نظام‌مند متأخر نه در سطح لما فعال می‌شوند و نه اعطاکننده یا دریافت‌کننده نقش‌های تتا هستند. همان‌طوری که از نامشان پیداست، فعال‌شدن این تکواژها در سطوح انتزاعی متأخر تولید گفتار (تدوین‌کننده)، اتفاق می‌افتد. تکواژهای نظام‌مند متأخر برای ایجاد ارتباط در داخل سازه‌های بزرگتر فعال می‌شوند و نقش رابط را در درون جمله برعهده دارند و برخلاف تکواژهای نظام‌مند متقدم، به ساختار مفهومی کمک نمی‌کنند

^۱. coindexing

(Myers-Scotton, 2006). تکواژهای نظام‌مند متأخر به دو نوع پیونددهنده و بیرونی تقسیم می‌شوند. تکواژهای نظام‌مند پیونددهنده متأخر مانند یک پل عمل می‌کنند و تکواژهای محتوایی را به سازه‌های بزرگتر پیوند می‌دهند. مثلاً نشانه مالکیت (of انگلیسی) دو اسم را در داخل یک گروه به هم ربط می‌دهد. تکواژهای نظام‌مند پیونددهنده متأخر به اطلاعات داخل فرافکنی پیشینه‌ای که در آن ظاهر می‌شوند، بستگی دارند درحالی که تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر به اطلاعات دستوری بیرون از فرافکنی پیشینه خود وابسته هستند و از لحاظ ساختار، در سطح رو ساخت ظاهر می‌شوند. S سوّم شخص مفرد نمونه بارز تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر است و نقش ساختاری را در دستور زبان انگلیسی ایفا می‌کند. تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر بدون هم‌نمایه شدن^۱ با سازه‌های دیگر در جمله ظاهر نمی‌شوند. اطلاعات تمام تکواژها در لهاها نهفته است، اطلاعات تکواژهای محتوایی و تکواژهای نظام‌مند متقدم در سطح مفهومی برجسته است اما اطلاعات تکواژهای نظام‌مند متأخر در سطح تدوین‌کننده متجلی می‌شود. در نمودار ۱، ویژگی‌های انواع مختلف تکواژها با ارائه مثال و طبق مدل چهار تکواژ، به نمایش گذاشته شده است:



¹ Perlmutter & Postal

به هر حال طبقه‌بندی تکواژها بر اساس مدل چهارتکواژ، ممکن است در زبان‌های مختلف تغییراتی پیدا کند. زیرا زبان‌ها در تخصیص تکواژها و واژه‌ها به مفاهیم، متفاوت عمل می‌کنند و چنین تفاوتی از جمله عوامل مهمی است که در ترجمه و آموزش زبان دوم نیز تأثیر بسزایی دارد.

۳- تکواژهای تصریفی زبان فارسی

۳-۱- مشخصه‌های تصریفی فعل

فعل یک عنصر زبانی جهانی است؛ زیرا در همه زبان‌های جهان دیده می‌شود و از نظر معنایی، بیانگر انجام عملی، روی دادن امری یا داشتن حالتی است؛ مانند: افعال collapse، know، die و... (Trask, 1993). هر فعل دارای ویژگی‌های زمان، شخص، نمود، وجه و جهت است. هر یک از این ویژگی‌ها، نشانه‌های صوری و معنایی مشخصی دارند که ماهیت و عملکرد آنها را تبیین می‌کند (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۳).

۳-۱-۱- زمان (گذشته، حال و آینده): یکی از ویژگی‌های فعل فارسی

این است که افعال آن یا بن ماضی (رفت) یا بن مضارع (رو) دارد. از بن ماضی، انواع فعل‌های ماضی (رفتم) و فعل آینده (خواهم رفت) ساخته می‌شود. از بن مضارع نیز همه فعل‌های مضارع (می‌رود) به دست می‌آید.

۳-۱-۲- شخص و شمار: هر یک از ساخت‌های فعل فارسی، شش شناسه دارد

که به وسیله آنها، شخص‌های شش‌گانه فعل، شناخته می‌شود. شناسه‌های شش‌گانه عبارتند از: م-ی، د-یم، ید-ند. برای مثال شناسه -یم در فعل می‌رویم، نشانگر جمع بودن فعل است. همه ساخت‌های فعل، شناسه می‌گیرند، جز ساخت سوم شخص مفرد ماضی ساده و دوم شخص مفرد فعل امر. شناسه افعال فارسی به‌طور همزمان نشان‌دهنده دو مقوله شخص و شمار هستند.

۳-۱-۳- نمود: نمود الگوی تقسیم رخداد فعل در واحد زمان است که بازتاب

وضعیت ایستا، تداوم یا جریان، حرکت یا تغییر و یا اتمام عمل از منظر گوینده است

(دستلان و همکاران، ۱۳۹۵). نمود در اکثر زبان‌ها به دو دسته «نمود واژگانی» و «نمود دستوری» تقسیم می‌شود. نمود واژگانی نمودی است که در معنای فعل مستتر است و مباحثی چون لحظه‌ای بودن، تداومی بودن و یا لحظه‌ای - تداومی بودن فعل را دربرمی‌گیرد. برای مثال «شکست» یک فعل لحظه‌ای و «دید» یک فعل تداومی است.

نمود دستوری معمولاً به وسیله فعل‌های معین بر جمله اعمال می‌شود (green & Evans, 2006). فعل داشتن (چه در زمان حال، چه در گذشته)، هنگامی که به عنوان فعل معین قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد، نشانگر تداوم و استمرار عمل است؛ بنابراین فعل داشتن همراه با پیشوند می یا خود پیشوند می به تنهایی برای بیان نمود مستمر در زبان فارسی به کار می‌رود. فعل‌های معین بودن و است چه در زمان حال و چه در زمان گذشته، نشان دهنده عملی هستند که وقوع آنها کامل شده و به پایان رسیده است که از آن به عنوان نمود کامل یاد می‌شود. این فعل به ترتیب در ساخت‌های ماضی بعید و ماضی نقلی نمود پیدا می‌کنند. فعل بودن در ماضی بعید به صورت یک تکواژ مستقل به کار می‌رود اما فعل است در ماضی نقلی به صورت یک واژه‌بست درمی‌آید (دستلان و همکاران، ۱۳۹۵).

۳-۱-۴- وجه: وجه فعل دلالت بر تلقی گوینده از مسلم و نامسلم بودن یا امری بودن و نبودن فعل می‌نماید؛ این دلالت به واسطه عواملی است که در فعل و جمله قرار دارد، بعضی از این عوامل صوری و بعضی معنایی است (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۳). به دلیل گستردگی جنبه معنایی وجه، تعاریفی هم که بر این مبنا ارائه شده، گوناگون است، گاهی هم برخی از ویژگی‌های فعل فارسی مانند زمان، وجه و نمود دستوری چنان درهم تنیده‌اند که نمی‌توان مرز دقیق این مقولات را در فعل تشخیص داد. اکثر دستورنویسان، وجه زبان فارسی را به سه نوع اخباری، التزامی و امری طبقه‌بندی می‌نمایند. البته رحیمیان (۱۳۷۸)، از دو نوع وجه اخباری و غیراخباری در زبان فارسی خبر می‌دهد که در ادامه، وی هم وجه غیراخباری را به دو نوع التزامی و امری تقسیم می‌کند. وجه اخباری اساساً بی‌نشان است اما تکواژ ب در ساخت مضارع التزامی و تکواژ باش در ساخت ماضی

التزامی، نشان‌دهنده وجه التزامی‌اند. تکواژ ب در ساخت ب + بن مضارع، نشانه وجه امری نیز هست.

مظاهری و همکاران (۱۳۸۳) معتقدند هر فعلی که دارای معنای احتمال است و یا به همراه عوامل التزام‌ساز می‌آید، وجه التزامی شمرده می‌شود. مثلاً در جمله‌های «باید می‌رفت» و «شاید رفته‌است» هیچ کدام از افعال، ساختار التزامی ندارد ولی به جهت همراهی سازه‌های التزام‌ساز (باید و شاید)، دارای وجه التزامی شده‌اند. بنابراین قیدهایی همچون: شاید، گویا و افعال وجهی نظیر بایست، باید و... نشانه‌های وجه التزامی هستند.

۳-۱-۵- جهت (معلوم/مجهول): جهت مقوله‌ای است که در زبان فارسی،

در ارتباط با آن اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. برخی از زبان‌شناسان و دست‌نویسان نظیر معین (۱۹۷۴)، ساخت مجهول را در زبان فارسی منکر شده‌اند، درحالی‌که بسیاری نیز این ساخت را بدیهی دانسته‌اند و حتی انواعی برای آن برشمرده‌اند (باطنی، ۱۳۶۴ و دبیرمقدم، ۱۳۶۴). فعل معلوم به فاعل نسبت داده می‌شود؛ مانند: علی آمد. در صورتی که فعل مجهول به مفعول نسبت داده می‌شود؛ مانند: سهراب کشته شد. فعل مجهول از اسم مفعول فعل با یکی از صیغه‌های فعل‌های شدن، گشتن، گردیدن و... ساخته می‌شود.

پرمیوتر و پستال^۱ (1984)، سه اصل همگانی را در گذر از معلوم به مجهول در زبان‌های دنیا ارائه کرده‌اند که ملکی‌مقدم (۱۳۹۳)، آنها را در زبان فارسی نیز صادق می‌داند: الف. مفعول مستقیم در جمله معلوم به صورت فاعل در جمله مجهول تجلی پیدا می‌کند. ب. فاعل جمله معلوم در جمله مجهول، یک عنصر نقش‌باخته است. ج. جمله مجهول در رو‌ساخت یک جمله لازم است.

فعل زبان فارسی علاوه بر پنج ویژگی عمده، می‌تواند وندها یا اجزاء دیگری نیز بپذیرد. پیشوند نفی (ن- و م-) به اول همه فعل‌های زبان فارسی (اصلی، معین، وجهی) افزوده می‌شود؛ مانند: نرفتم، مگو. برای ساخت صورت‌های منفی وجوه امری و التزامی،

^۱. برای توضیحات بیشتر به دبیرمقدم، ۱۳۷۴ مراجعه گردد.

پیشوند ن- جایگزین پیشوند ب- می‌شود. تکواژ سببی ساز -ان به تعداد محدودی از افعال فارسی اضافه می‌گردد تا سببی از نوع ساخت واژی حاصل شود؛ مانند: خنداندن، ترساندن و ...

جزء فعلی در افعال مرکب که از آن به‌عنوان «همکرد»، «فعل معین» یا «فعل سبک» یاد می‌شود، اطلاعات دستوری همچون: زمان، شخص و شمار، نمود را به همراه دارد. ساخت افعال مرکب، فرایندی زایا در زبان فارسی به حساب می‌آید. فعل مرکب از ترکیب یک سازه غیرفعلی (اسم، صفت، اسم مفعول، قید و حرف اضافه) با یک فعل سبک (کردن، زدن و...) ساخته می‌شود؛ مانند: جنگ کردن، پس دادن، به دنیا آمدن و... . محتوای معنایی در این گروه از افعال، برعهده سازه غیرفعلی است؛ درحالی که فعل سبک با دریافت وندهایی، حامل اطلاعات دستوری می‌باشد. افعال سبک (کردن، دادن و...) در افعال مرکب ترکیبی، دستخوش دستوری شدگی گردیده است و هویت واژگانی خود را از دست داده‌اند، به همین خاطر محتوای معنایی فعل مرکب بر دوش سازه غیرفعلی است. دبیرمقدم (۱۳۷۴)، به نوع دیگری از افعال مرکب، به‌عنوان افعال مرکب انضمامی (مانند غذا خوردن) اشاره می‌کند که در آنها اجزاء فعلی مانند: خوردن، هویت واژگانی خود را حفظ می‌کنند.^۱

۲-۳- مشخصه‌های تصریفی اسم

۳-۲-۱- شمار (پسوندهای جمع‌ساز): خودکارهای قرمز، مردان بلندقد

۳-۲-۲- جانداری: این مشخصه فاقد تبلور آشکار در زبان فارسی امروز است. واژه‌بست‌های اسم: همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، تعدادی از وندهای اسم (مانند کسره‌اضافه، -ی نکره و...) زبان فارسی در انطباق با انگاره‌های زبان‌شناسان غربی در جرگه مشخصه‌های تصریفی قرار داشتند، اما امروزه تقریباً اکثر محققان (شقایق، ۱۳۷۴؛ قطره، ۱۳۸۶؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۶۶) دستور زبان فارسی معتقدند که ویژگی‌های زبانی این

^۱. checking

عناصر، آنها را از وندهای تصریفی اسم متمایز می‌سازد و در گروه واژه‌بست‌ها قرار می‌دهد.

الف. حالت اضافی (کسره اضافه): ساعتِ طلا، کتابِ علی.

ب. تکواژ وابسته نکره (ی): کتابی خوب. نشانه "ی" همچین به کل گروه اسمی افزوده می‌شود. کتابِ خوبی. ج. نشانه معرفه (پسوند ه) که البته در گفتار کاربرد دارد. مانند: دختره.

د. ضمیرهای متصل: آتشِ شور است.

ه. الف ندا: خداوندا، پدر!

۳-۳- مشخصه‌های تصریفی صفت

۳-۳-۱- درجه تفضیلی (استفاده از پسوند -تر): دماوند از سیلان بلندتر است.

۳-۳-۲- درجه عالی (استفاده از پسوند -ترین): دماوند بلندترین کوه ایران است.

۳-۴- مشخصه‌های تصریفی قید

درجه تفضیلی (استفاده از پسوند -تر): رضا سریع‌تر از علی می‌دود.

۴- تکواژهای تصریفی فارسی در چارچوب مدل چهارتکواژ

ریشه فعل در زبان فارسی با توجه به طبقه‌بندی تکواژها در مدل چهارتکواژ، جزو تکواژهای محتوایی محسوب می‌گردد، زیرا از معنا و مفهوم مستقلی برخوردار است. اما ویژگی‌های فعل زبان فارسی نظیر: زمان، نمود، وجه، شخص و شمار، جهت (مجهول)، تکواژ نفی و سببی‌ساز در گروه تکواژهای نظام‌مند قرار می‌گیرند. عمده این ویژگی‌ها با وند افزایی یا قرار گرفتن افعال معین (خواستن، بودن، شدن و...) در قبل یا بعد از ریشه فعل، نمایان می‌شوند. هرچند تمامی سازه‌ها یا عناصر یک مقوله زبانی (مثلاً اسم‌ها، فعل‌ها و...)، عمدتاً یا تکواژهای محتوایی‌اند و یا این که تکواژهای نظام‌مند شمرده می‌شوند، با این وجود، مقوله‌بندی عناصر واژگانی خاص در یک زبان، می‌تواند به تغییراتی در

طبقه‌بندی تکواژها منجر شود (Myers-Scotton و Jake، 2000). برای مثال، سازه «خورد» در دو نوع فعل مرکب زبان فارسی؛ فعل مرکب ترکیبی (سُر خوردن) و فعل مرکب انضمامی (غذا خوردن) به لحاظ معنایی متفاوت از هم عمل می‌کنند. سازه «خورد» در فعل مرکب ترکیبی (فعل سبک)، به دلیل دستوری شدگی و از دست دادن هویت معنایی، فقط حامل اطلاعات دستوری و ویژگی‌های فعل از جمله زمان، نمود و... است؛ بنابراین در گروه تکواژهای نظام‌مند قرار دارد. جزء غیر فعلی که وظیفه انتقال معنا و مفهوم اصلی فعل مرکب ترکیبی را برعهده دارد، جزو تکواژهای محتوایی محسوب می‌شوند. اما سازه «خورد» در فعل مرکب انضمامی با حفظ هویت معنایی خود، در فعال شدن ساختار مفهومی - واژگانی فعل در سطوح انتزاعی تولید گفتار نقش عمده‌ای دارد، بنابراین هر دو جزء فعل مرکب انضمامی، در زمره تکواژهای محتوایی گنجانده می‌شوند.

تکواژهای نفی و سببی‌ساز و همچنین تکواژها یا سازه‌های نشان‌دهنده ویژگی‌های جهت و وجه امری فعل زبان فارسی، به گروه تکواژهای نظام‌مند متقدم تعلق دارند؛ زیرا این سازه‌ها اطلاعات مفهومی را به هسته خود (ریشه فعل) می‌افزایند و به صورت غیرمستقیم توسط هسته خود در سطح لما فعال شده و انتخاب می‌گردند. اما سازه‌هایی که ویژگی‌های شخص و شمار، زمان، نمود و وجه التزامی فعل فارسی را به نمایش می‌گذارند در گروه تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر جای می‌گیرند؛ چون که این سازه‌ها برای تجلی در روستا، به اطلاعات خارج از فرافکنی پیشینه خود وابسته هستند و یا با سازه‌های دیگر در جمله، هم‌نمایه‌اند. شناسه یا تکواژ شخص و شمار در زبان فارسی به فعل ملحق می‌شود تا عمل مطابقت بین فعل و فاعل جمله صورت گیرد؛ همین شناسه برای الحاق به فعل، به اطلاعات فاعل جمله نیاز دارد که خارج از فرافکنی پیشینه فعل قرار دارد. زمان و ویژگی‌هایی از جمله نمود و وجه التزامی که ظرفیتی از زمان فعل زبان فارسی را نشان می‌دهند با سازه‌های دیگر جمله همچون قید زمان و... هم‌نمایه هستند. برای نمونه، به

مثال‌های ۱ تا ۳ توجه شود:

۱. من دیروز غذای اندکی خوردم.

۲. تاکنون به ژاپن نرفته‌ام.

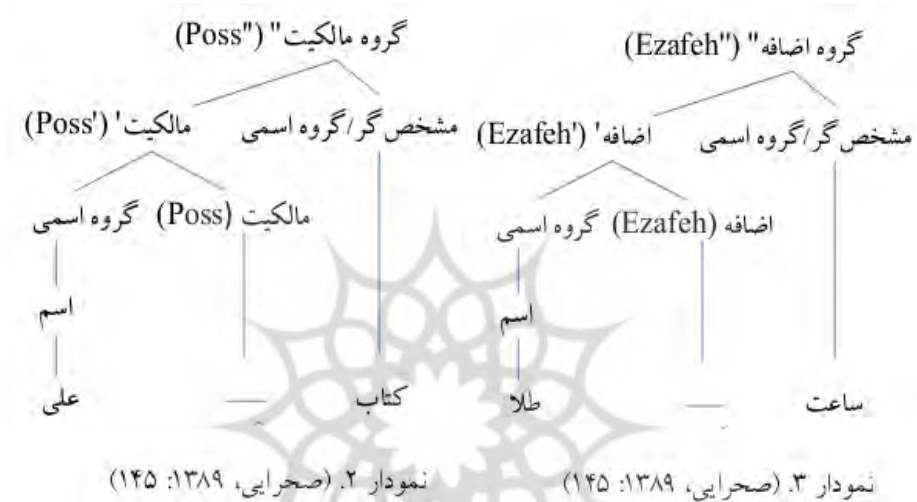
۳. شاید زودتر بروم.

تکواژ گذشته‌ساز - د در فعل «خورد» با قید زمان «دیروز» در جمله ۱، هم‌نمایه است. تکواژ -ام که دلالت بر نمود کامل دارد در جمله ۲، با قید زمان «تاکنون» هم‌نمایه می‌باشد و بالاخره تکواژ ب- (نشانه وجه التزامی فعل)، با سازه «شاید» هم‌نمایه‌اند. چنانچه میرزاسکاتن (2002)، عنوان می‌کند؛ هم‌نمایی تکواژهای نظام‌مند با عناصر یا سازه‌های دیگر جمله، بر بیرونی بودن تکواژهای متأخر دلالت دارد.

اسم زبان فارسی، نیز با توجه به برخورداری از معنا و مفهومی مستقل و ویژگی دریافت‌کنندگی نقش‌های تتا، در زمره تکواژهای محتوایی قرار دارد. اما تکواژ تصریفی اسم نظیر تکواژهای جمع‌ساز، به گروه تکواژهای نظام‌مند متقدم تعلق دارند؛ به دلیل این که سازه مذکور اطلاعات مفهومی را به هسته خود (اسم) می‌افزاید و به صورت غیرمستقیم توسط هسته خود در سطح لما فعال شده و انتخاب می‌گردد.

واژه‌بست‌های اسم نظیر -ی نکره، ضمیرهای متصل، -ه معرفگی و الف ندا نیز تکواژهای نظام‌مند متقدم شمرده می‌شوند؛ زیرا مانند تکواژهای جمع‌ساز، به صورت غیرمستقیم توسط هسته در سطح لما فعال شده و انتخاب می‌شوند در صورتی که کسره اضافه در گروه تکواژهای نظام‌مند پیونددهنده متأخر جای می‌گیرد. حالت اضافی/ملکی یک حالت درونی است که خود اسم در سطح واژگان، این مشخصه را دارد و طبق نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در ژ-ساخت اعطا می‌شود و در رویکرد کمینه‌گرایی نیز این مشخصه، یک مشخصه تعبیرپذیر است و در تطابق هسته - مشخص‌گر بازینی نمی‌شود، بلکه مشخصه حالت اضافی/ملکی در سطح واژگان و قبل از فرایند تطابق، ارزش‌گذاری شده است؛ بنابراین کسره اضافه هیچ نقشی در اعطاکنندگی نقش‌های تتا یا بازینی حالت اضافی و نقش‌های تتا ایفا نمی‌کند. کسره اضافه در مثال‌های: کتاب علی و ساعت طلا، دو اسم را در داخل یک گروه (گروه مالکیت و گروه اضافه)، به یکدیگر مرتبط می‌سازد تا به ترتیب حالت‌های مالکیت و اضافه متجلی گردد (نمودارهای ۲ و ۳). علاوه بر این کسره

اضافه در داخل گروه اسمی، صفت را نیز به اسم ربط می‌دهد. مانند: سیب خوشمزه. کسره اضافه به اطلاعات داخل فرافکنی بیشینه‌ای که در آن ظاهر می‌شود، وابسته است و همان‌طوری که میرزاسکاتن (2002)، اشاره می‌کند تکواذهای نظام‌مند پیونددهنده متأخر، نشانگر روابط موجود در انطباق ساختار مفهومی با ساختار گروهی هستند.



در ارتباط با هم‌نمایی ممکن است چنین برداشت شود که به دلیل مطابقت فعل با فاعل، تکواژ جمع‌ساز اسم با فعل هم‌نمایه است؛ بنابراین تکواژ جمع‌ساز بایستی یک تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر در نظر گرفته شود؛ در حالی که شناسه یا تکواژ مشخص و شمار فعل برای تجلی در روساخت جمله به اطلاعات خارج از فرافکنی بیشینه خود که همان فاعل جمله می‌باشد، نیازمند است و با آن هم‌نمایه می‌شود (مطابقت فعل با فاعل)، در نتیجه یک تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر است؛ اما تکواژ جمع‌ساز اسم بدون نیاز به اطلاعات خارج از فرافکنی بیشینه خود در سطح مفهومی و همراه با لمای اسم فعال می‌گردد و شکل آن بستگی به اسمی دارد که با آن در روساخت ظاهر می‌شود.

صفت و قید فارسی نیز مانند فعل و اسم همین زبان، جزو تکواذهای محتوایی هستند؛ برای این که مستقیماً به وسیله رشته ویژگی‌های معنایی-کاربردی انتخاب می‌شوند و از

استقلال معنایی برخوردارند، اما مشخصه‌های تصریفی آنها (پسوندهای -تر و -ترین صفت و پسوند -تر قید)، دارای چنین ویژگی نیستند و در گروه تکواژهای نظام‌مند متقدم قرار می‌گیرند. انتخاب وندهای تصریفی صفت و قید به صورت غیرمستقیم و با فراخوان تکواژهای محتوایی (صفت و قید) در سطح لما، انجام می‌شود تا منظور یا تیت فرد به طور کامل به مخاطب یا مخاطبان انتقال یابد و نقش وندهای تصریفی، بسط معنای لماهای تکواژهای محتوایی است.



نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر تلاشی بود تا دسته‌بندی نوینی از تکواژهای زبان فارسی در چارچوب مدل چهار تکواژ ارائه گردد. مدل چهار تکواژ یک مدل تولید بنیان است که در آن، تکواژها با توجه به انتخاب‌شان در سطوح مختلف تولید انتزاعی گفتار، به یک نوع تکواژ محتوایی و سه نوع تکواژ نظام‌مند (تکواژ نظام‌مند متقدم، تکواژ نظام‌مند پیونددهنده متأخر و تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر)، تقسیم می‌شوند.

با استناد به شواهد و ملاک‌هایی که در تحقیق حاضر بر اساس معیارهای مدل چهار تکواژ مورد بحث و بررسی قرار گرفت، تکواژهای نفی و سببی‌ساز فعل زبان فارسی، همچنین مشخصه‌های تصریفی جهت و وجه امری آن، تکواژ جمع اسم، وندهای تفضیلی و عالی صفت و تکواژ تفضیلی قید به گروه تکواژهای نظام‌مند متقدم تعلق دارند؛ زیرا این سازه‌ها اطلاعات مفهومی را به هسته خود (فعل، اسم، صفت و قید) می‌افزایند و به صورت غیرمستقیم توسط هسته انتخاب می‌گردند. اما سازه‌هایی که ویژگی‌های شخص و شمار، زمان، نمود و وجه التزامی فعل فارسی را به نمایش می‌گذارند در گروه تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر جای می‌گیرند؛ چون که این سازه‌ها برای تجلی در روساخت، به اطلاعات خارج از فرافکنی بیشینه خود وابسته هستند و یا با سازه‌های دیگر در جمله، هم‌نمایه‌اند. شناسه یا تکواژ شخص و شمار در زبان فارسی به فعل ملحق می‌شود تا عمل مطابقت بین فعل و فاعل جمله صورت گیرد؛ همین شناسه برای الحاق به فعل، به اطلاعات فاعل جمله نیاز دارد که خارج از فرافکنی بیشینه فعل قرار دارد. زمان و ویژگی‌هایی از جمله نمود و وجه التزامی که ظرفیتی از زمان فعل زبان فارسی را نشان می‌دهند با سازه‌های دیگر جمله همچون قید زمان و... هم‌نمایه هستند. طبقه‌بندی تکواژهای تصریفی تحقیق حاضر تقریباً در انطباق با تقسیم‌بندی تکواژهای زبان ژاپنی تا کاگی (۲۰۰۸)، است که تکواژ نفی، سببی و جهت فعل؛ به علاوه تکواژ جمع را تکواژ نظام‌مند متقدم و سازه‌هایی را که نشانگر شمار و حالت‌های فعل (مانند حالت مفعولی) هستند؛ تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر فرض

کرده است. طبقه‌بندی تکواژها در چارچوب مدل چهار تکواژ، طبق فعال شدن و انتخاب تکواژها در سطوح و لایه‌های انتزاعی تولید گفتار انجام شده است و می‌تواند در تبیین ابعاد گوناگون مسائل زبانی (مانند ترتیب فراگیری تکواژها و نحوه راه‌یابی سازه‌های فرضی به زبان دیگر) کارآیی داشته باشد.



منابع و مآخذ

۱. باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۴). **توصیف ساختمانی دستور زبان فارسی**. تهران: امیرکبیر.
 ۲. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۶۴). «مجهول در زبان فارسی». **مجله زبان‌شناسی**. شماره ۳۰. صص: ۳۱-۴۶.
 ۳. _____ (۱۳۷۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». **مجله زبان‌شناسی**. شماره ۱ و ۲. صص: ۲-۴۶.
 ۴. دستلان، مرتضی؛ محمدابراهیمی، زینب؛ مهدی بیرقدار، راضیه و روشن، بلقیس. (۱۳۹۵). «نمود در زبان فارسی؛ نگاهی نو بر پایه رویکرد شناختی بسط استعاری و مولفه‌های نمودی». **دوماهنامه جستارهای زبانی**. شماره ۷ و ۳. صص: ۶۹-۸۶.
 ۵. رحیمیان، جلال. (۱۳۷۸). «وجه فعل در فارسی امروز». **مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز**. شماره ۱۴ و ۲. صص: ۴۱-۵۲.
 ۶. شقاقی، ویدا. (۱۳۷۴). «واژه‌بست چیست؟». **مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی**. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. صص: ۱۴۱-۱۵۷.
 ۷. قطره، فریبا. (۱۳۸۶). «مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز». **دستور (ویژه‌نامه فرهنگستان)**. شماره ۳. صص: ۵۲-۸۱.
 ۸. مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۶۶). **دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری**. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
 ۹. مظاهری، جمشید؛ هاشمی، سیدمرتضی و متولی، سیدمهدی. (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان**. شماره ۳۸. صص: ۹۵-۱۰۸.
 ۱۰. ملکی‌مقدم، اردشیر؛ حق‌شناس، علی‌محمد و عامری، حیات. (۱۳۹۶). «بررسی ساختار صرفی فعل فارسی در چارچوب نظریه کلمه و صیغگان». **دوماهنامه جستارهای زبانی**. شماره ۸ و ۲. صص: ۲۷۷-۳۰۷.
- Booij, G. (2005). *The grammar of the words*. Oxford: Oxford university press.
- Chan, H. Y. (2004). *English-Cantonese code mixing among secondary school students in Hong Kong (Unpublished master's thesis)*. University of Hong Kong. Hong Kong.

- Evans, V. & M. Green. (2006). *Cognitive Linguistics, an Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fuller, J. (2000). Morpheme types in a matrix language turnover: The introduction of system morphemes from English into Pennsylvania German. *International Journal of Bilingualism*, 4/1, 45-58
- Levelt, W. J. M. (1989). *Speaking: From Intention to Articulation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Mahootian, Sh. (1997). *Persian*. London & New York: Rutledge.
- Myers-Scotton, C. & Jake, J. (2000). Testing the 4-M model: An introduction. *International Journal of Bilingualism*, 4/1, 1-8
- Moyne, J. (1974). The so-called passive in Persian. *Foundation of Language*, 12, 249- 267
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: Grammatical structure in code switching*. Oxford: Oxford University Press.
- _____. (1997). *Code-switching*. In F. Coulmas (Ed.). *The handbook of Sociolinguistics* (pp. 217-237). London: Blackwell.
- _____. (2002). *Contact linguistics: Bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- _____. (2006). *Multiple Voices: An introduction to bilingualism*. Malden, MA: Blackwell.
- Perlmutter, D. M. & P. M. Postal. (1984). the 1-Advancement Exclusiveness Law. In D.M. Persian, Berlin/ New York: Mouton Publishers.
- Spencer, A. (1991 [1997]). *Morphological Theory: An introduction to word structure in generative grammar*. Oxford & Cambridge: Blackwell.
- Stump, C. S. (2001). *The parameter of aspect*. Dordrecht: Kluwe Academic Publishers.
- Takagi, M. (2008). Japanese morpheme classification using 4-M model. *Journal of Inquiry and Research*, 88, 1-19
- Trask, R. L. (1993). *A Dictionary of Grammatical terms in Linguistics*. London and New York: Rutledge.
- Treffers-Daller, J. (1994). *Mixing two languages, French-Dutch contact in a comparative Perspective*. Berlin: Mouton de Gruytor.
- Turker, E. (2005). Resisting the grammatical change: Nominal groups in Turkish-Norwegian codeswitching. *International Journal of Bilingualism*, 9/3 & 4, 453- 476

References:

- Batani, Muhammadreza. (1985). *Structure Describing of Persian language grammar*. Tehran: Amirkabir.
- Booij, G. (2005). *The grammar of the words*. Oxford: Oxford university press.
- Chan, H. Y. (2004). *English-Cantonese code mixing among secondary school students in Hong Kong (Unpublished master's thesis)*. University of Hong Kong, Hong Kong.
- Dabirmoghadam, Muhammad. (1985). Passive sentences in Persian language. *Linguistic magazine*, 30, 31-46
- _____. (1995). Phrasal verb in Persian language. *Linguistic magazine*, 1&2, 2-46
- Dastlan, Morteza. Others. (2016). Aspect in Persian; a new perspective based on the cognitive metaphorical extension approach and aspectual features. *Language related research*, 7/2, 69-86
- Evans, V. & M. Green. (2006). *Cognitive Linguistics, an Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fuller, J. (2000). Morpheme types in a matrix language turnover: The introduction of system morphemes from English into Pennsylvania German. *International Journal of Bilingualism*, 4/1, 45-58
- Ghatreh, Fariba. (2006). Definitive features in today's Persian language. *Grammar (Farhangestan)*, 3, 52-81
- Levelt, W. J. M. (1989). *Speaking: From Intention to Articulation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Mahootian, Sh. (1997). *Persian*. London & New York: Rutledge.
- Maleki Moghadam, Ardashir. Others. (2017). Analyzing the inflectional structure of Persian verb based on word paradigm theory. *Language related research*, 8/2, 277-307
- Mazaheri, Jamshid. Others. (2004). Investigating and analyzing the potential verb in Persian grammar. *Journal of Persian literature and humanities of Isfahan*, 38, 95-108
- Meshkatoddini, Mahdi. (1987). *Persian grammar according to transformational theory*. Mashhad: Ferdowsi University press.
- Moyne, J. (1974). The so-called passive in Persian. *Foundation of Language*, 12, 249-267
- Myers-Scotton, C. & Jake, J. (2000). Testing the 4-M model: An introduction. *International Journal of Bilingualism*, 4/1, 1-8
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: Grammatical structure in code switching*. Oxford: Oxford University Press.
- _____. (1997). *Code-switching*. In F. Coulmas (Ed.). *The handbook of Sociolinguistics* (pp. 217-237). London: Blackwell.

- _____. (2002). *Contact linguistics: Bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- _____. (2006). *Multiple Voices: An introduction to bilingualism*. Malden, MA: Blackwell.
- Perlmutter, D. M. & P. M. Postal. (1984). the 1-Advancement Exclusiveness Law. In D.M. Persian, Berlin/ New York: Mouton Publishers.
- Rahimian, Jalal. (1999). Mood of potential verb in nowadays Persian. *Journal of social and humanities*, 14/2, 41-52
- Shaghghi, Vida. (1995). what is clitic. *Proceeding of third conference on linguistics*, Tehran: Allame Tabatabaie University, 141-157
- Spencer, A. (1991 [1997]). *Morphological Theory: An introduction to word structure in generative grammar*. Oxford & Cambridge: Blackwell.
- Stump, C. S. (2001). *The parameter of aspect*. Dordrecht: Kluwe Academic Publishers.
- Takagi, M. (2008). Japanese morpheme classification using 4-M model. *Journal of Inquiry and Research*, 88, 1-19
- Trask, R. L. (1993). *A Dictionary of Grammatical terms in Linguistics*. London and New York: Rutledge.
- Treffers-Daller, J. (1994). *Mixing two languages, French-Dutch contact in a comparative Perspective*. Berlin: Mouton de Gruytor.
- Turker, E. (2005). Resisting the grammatical change: Nominal groups in Turkish-Norwegian codeswitching. *International Journal of Bilingualism*, 9/3 & 4, 453- 476